



جمهوری اسلامی ایران
سازمان حقوق بشر

شماره ۵

گزارش روشنگرانه با موضوع:

کودکان در جریان اغتشاشات دی ماه ۱۴۰۴؛
پرونده قتل کودک سه ساله کرمانشاهی

الله اعلم
الكرمين

ستاد حقوق بشر جمهوری اسلامی ایران

بهمن ماه ۱۴۰۴

مقدمه



حقوق کودک، به‌عنوان یکی از بنیادی‌ترین تعهدات دولت‌ها و جوامع، در شرایط بی‌ثباتی و خشونت جمعی بیش از هر زمان دیگری در معرض تهدید قرار می‌گیرد. در جریان ناآرامی‌های دی‌ماه ۱۴۰۴ در برخی شهرهای ایران، گزارش‌هایی از آسیب‌دیدگی و جان‌باختن غیرنظامیان، از جمله کودکان، منتشر شد.

یکی از تلخ‌ترین این موارد، کشته‌شدن یک کودک سه‌ساله در استان کرمانشاه است؛ پرونده‌ای که به‌سرعت به عرصه جنگ روایت‌ها کشیده شد، بی‌آنکه حقیقت‌یابی دقیق و مسؤلیت‌پذیری حقوقی در مرکز توجه قرار گیرد.

این گزارش با رویکردی انسانی و مبتنی بر حقوق کودک، می‌کوشد ضمن بازخوانی واقعه، روایت غالب «دولت ناقض حقوق کودک» را به چالش بکشد و توجه را به نقش مستقیم خشونت‌طلبان و ناامن‌سازی محیط زندگی کودکان معطوف کند.

۱. شرح واقعه

پرونده قتل کودک سه‌ساله کرمانشاهی (ملینا) - دی‌ماه



بر اساس گزارش‌های میدانی، اظهارات خانواده و اطلاعات منتشرشده در رسانه‌ها، شامگاه ۱۸ دی‌ماه ۱۴۰۴، در جریان ناآرامی‌ها و اغتشاشات خیابانی در شهر کرمانشاه، کودکی سه‌ساله به نام ملینا بر اثر اصابت گلوله جان خود را از دست داد. این حادثه در محدوده‌ای مسکونی از شهر و در شرایطی رخ داده است که فضای عمومی منطقه تحت تأثیر آشوب، ازدحام و ناامنی ناشی از تحرکات خشونت‌آمیز قرار داشته است.

مطابق اظهارات پدر کودک، احسان اسدی (۳۴ ساله)، راننده سازمان اتوبوس‌رانی کرمانشاه، وی به‌همراه دختر خردسال خود برای تهیه دارو و شیرخشک مورد نیاز فرزند دوساله خانواده، از محل سکونت خود در

کوی ۱۲۳ بلوار طاق‌بستان خارج شده است. مقصد آنان داروخانه‌ای در فاصله‌ای کوتاه از منزل بوده و تردد در این مسیر، صرفاً به منظور تأمین نیاز فوری درمانی انجام شده است.

در مسیر بازگشت و در حالی که پدر و کودک در خلاف جهت تجمعات خیابانی و به سمت منزل در حرکت بوده‌اند، با رسیدن به ابتدای خیابان محل سکونت، صدای شلیک گلوله در فضا شنیده می‌شود. بلافاصله پس از آن، کودک بر زمین می‌افتد. شواهد عینی و وضعیت جسمانی کودک نشان می‌دهد که گلوله به ناحیه سر اصابت کرده و منجر به جراحت مرگ‌بار شده است.

پدر کودک، بلافاصله پس از وقوع حادثه، اقدام به انتقال فرزند خود به نزدیک‌ترین پایگاه اورژانس و سپس بیمارستان طالقانی کرمانشاه می‌کند. با این حال، بر اساس اعلام نیروهای امدادی و کادر درمان، کودک پیش از رسیدن به بیمارستان جان خود را از دست داده است.



این واقعه در شرایطی رخ داده که مقتول، کودکی خردسال، فاقد هرگونه نقش، مشارکت یا حتی درک از منازعات سیاسی، امنیتی یا اجتماعی جاری بوده و به‌عنوان یک غیرنظامی مطلق، مشمول بالاترین سطح حمایت‌های قانونی در حقوق داخلی و اسناد بین‌المللی حقوق کودک محسوب می‌شود.

آنچه در این پرونده واجد اهمیت حقوقی است، صرف‌نظر از تعیین عامل مستقیم شلیک، وقوع مرگ کودک در بستر ناامنی ناشی از خشونت خیابانی و استفاده از سلاح در محیط‌های عمومی و مسکونی است؛ امری که به‌خودی‌خود، نقض آشکار حق حیات و حق امنیت کودک تلقی می‌شود.

در روزهای پس از حادثه، روایت‌های رسانه‌ای متعددی درباره عامل یا عاملان این تیراندازی منتشر شد. برخی گزارش‌ها، این واقعه را در چارچوب اقدامات خشونت‌طلبانه و تیراندازی‌های کور در جریان اغتشاشات ارزیابی کرده‌اند. با این حال، از منظر حقوقی، تعیین مسؤلیت کیفری مستلزم بررسی قضایی دقیق، شناسایی منبع شلیک، نوع سلاح و زنجیره علیت حادثه است؛ امری که باید فارغ از فضا سازی رسانه‌ای و روایت‌سازی‌های شتاب‌زده دنبال شود.

پیکر این کودک پس از تشییع، به خاک سپرده شد؛ اما پرونده مرگ او، صرفاً یک واقعه فردی یا خانوادگی نیست، بلکه نمونه‌ای عینی از پیامدهای مستقیم گسترش خشونت و ناامن‌سازی فضاهای شهری بر حقوق بنیادین کودکان به‌شمار می‌رود؛ حقوقی که مطابق قانون، در هیچ شرایطی نباید موضوع منازعه یا تسامح قرار گیرد.



۲. بررسی بستر وقوع حادثه

خشونت محیطی، سلاح و مسؤولیت ایجاد ناامنی در نقض حقوق کودک

مرگ کودک سه‌ساله کرمانشاهی، صرف‌نظر از تعیین عامل مستقیم شلیک، در بستری از خشونت خیابانی و ناامنی محیطی رخ داده است؛ موضوعی که از منظر حقوق کودک اهمیت مستقلی دارد. بررسی وقایع دی‌ماه ۱۴۰۴ در شهرهای مختلف کشور نشان می‌دهد که تجمع‌های اعتراضی، در مرحله آغازین، عمدتاً مطالبه‌محور اقتصادی و با حضور شهروندان عادی، حتی به شکل خانوادگی، شکل گرفته بود. در بسیاری

موارد، معترضان در مسیرهای شهری یا محل تجمع، بدون درگیری مستقیم و با توقف کوتاه، حضور پیدا می‌کردند.

با این حال، در حاشیه این تجمع‌ها، گروه‌های متمایزی از بدنه معترضان وارد صحنه شدند که رفتارهایی کاملاً متفاوت از اعتراض مدنی داشتند:

- تخریب اموال عمومی شامل چراغ‌های راهنمایی، تابلوهای شهری و جداول کنار خیابان
- رهاسازی سنگ و قطعات بتنی در مسیر خودروها
- آتش‌زدن سطوح زباله، لاستیک و ایجاد موانع مصنوعی در مسیر تردد
- حمله به شعب بانک‌ها، مغازه‌ها و منازل شهروندان
- تهدید و در برخی موارد استفاده از سلاح علیه افراد حاضر

این اقدامات منجر به فلج‌سازی عبور و مرور شهری، ایجاد ترافیک سنگین، افزایش تنش و ناامنی عمومی شد و محیط‌هایی که باید برای شهروندان، به‌ویژه کودکان، امن می‌بود، به فضاهای پرخطر تبدیل شد. در برخی مناطق، افراد مسلح تلاش کردند به مراکز نظامی، اداری و اماکن حساس حمله کنند، و در جریان درگیری‌های متعاقب، تعداد قابل توجهی از افراد از هر دو سو جان خود را از دست دادند.

۱-۲. خشونت محیطی و نقض حقوق کودک

کودکان، به‌عنوان گروهی که بیشترین نیاز به حمایت دارند، در چنین شرایطی آسیب‌پذیرترین قربانیان ناامنی عمومی هستند. مرگ کودک سه‌ساله کرمانشاهی نمونه‌ای است که نشان می‌دهد، حتی غیرمستقیم بودن نقش عاملان جان باختن کودک در اعتراضات، از مسؤولیت حقوقی عوامل خشونت نمی‌کاهد. به عبارت دیگر، از منظر حقوق کودک، مسؤولیت این فاجعه صرفاً به لحظه شلیک محدود نمی‌شود؛ بلکه به فرآیند ناامن‌سازی محیط شهری، حضور سلاح و تخریب عامدانه فضاهای عمومی و مسکونی بازمی‌گردد.

۲-۲ مسؤولیت حقوقی ایجادکنندگان ناامنی

طبق ماده ۶ کنوانسیون حقوق کودک، دولت‌ها مکلف به تضمین حق حیات، رشد و بقای کودکان هستند و این تعهد شامل پیشگیری از رفتارهای اشخاص ثالث است که محیط زندگی کودکان را ناامن می‌کنند. علاوه بر این، قوانین داخلی ایران، هرگونه استفاده از سلاح، ایجاد خطر در محیط عمومی، تخریب اموال و تهدید غیرنظامیان را تحت عناوین مختلف کیفری قابل پیگیری می‌داند.

در این چارچوب، کسانی که:

- عمداً یا با آگاهی به خشونت خیابانی دامن می‌زنند
- محیط‌های مسکونی و عمومی را به میدان خطر تبدیل می‌کنند
- یا اقدامات مسلحانه و تخریبی را سازمان‌دهی می‌کنند

در نقض حقوق بنیادین کودکان، مسؤولیت مستقیم یا مشارکتی دارند. حتی بدون بررسی عامل مستقیم شلیک، فرایند ایجاد ناامنی به خودی خود نقض حق حیات، امنیت و سلامت کودک محسوب می‌شود.

بنابراین، حادثه مرگ ملینا، نمونه‌ای تلخ از پیامدهای مستقیم گسترش خشونت و تسلیح محیط‌های عمومی بر کودکان است. تحلیل حقوقی این پرونده نشان می‌دهد که:

۱. مرگ کودک، ناشی از فروپاشی امنیت محیطی در اثر خشونت خیابانی است؛
۲. بررسی قضایی و حقیقت‌یابی شفاف، پیش‌شرط هر اقدام حقوقی و رسانه‌ای مسؤولانه است.

این پرونده، فراتر از یک تراژدی فردی، نماد نقض حقوق کودک در شرایط آشوب و بحران شهری است و ضرورت توجه حقوقی و اجتماعی به محافظت از کودکان در محیط‌های پرخطر را برجسته می‌کند.

۳. مسؤولیت حقوقی عاملان خشونت در چارچوب حقوق کودک

حادثه مرگ کودک سه‌ساله کرمانشاهی، نمونه‌ای است که نقض حقوق کودک به‌طور مستقیم با اعمال خشونت خیابانی و ایجاد ناامنی محیطی توسط اغتشاشگران مرتبط است. از منظر حقوقی، این پرونده چند سطح مسؤولیت را آشکار می‌کند:

۱-۳. مسؤولیت کیفری عامل مستقیم

عامل یا عاملان شلیک به سوی فضای مسکونی و غیرنظامیان، حتی اگر هدف مستقیم خود فرد خاصی نبوده باشد، تحت عناوین مختلف حقوق کیفری ایران قابل پیگرد هستند. این عناوین شامل:

- قتل شبه‌عمد یا خطای محض (به احراز عنصر روانی بستگی دارد)
- تسبیب در قتل یا ایجاد محیط خطرناک منجر به مرگ
- استفاده غیرمجاز از سلاح در محیط عمومی

در این پرونده، شلیک گلوله در محیطی مسکونی و شلوغ، به‌صورت مستقیم منجر به مرگ کودک شده است. در حقوق کیفری، حتی اعمال خشونت با عمد بالقوه یا علم به احتمال آسیب غیرنظامیان می‌تولند موجب مسؤولیت کیفری شود.

۲-۳. مسؤولیت مشارکت‌کنندگان در ناامنی عمومی

صرف‌نظر از عامل مستقیم، افرادی که با اعمال تخریب، استفاده از سلاح یا ایجاد موانع، محیط عمومی را ناامن کرده‌اند نیز مسؤولیت حقوقی دارند. این مفهوم در حقوق کیفری تحت عنوان تسبیب و ایجاد خطر نوعی شناخته می‌شود.

- هرگونه تخریب اموال عمومی، حمله به اماکن خصوصی یا عمومی، و تلاش برای مسدود کردن مسی‌رهای تردد، محیطی ایجاد می‌کند که جان غیرنظامیان، به‌ویژه کودکان، در معرض خطر قرار می‌گیرد.
- اقدامات شامل شکستن چراغ‌های راهنمایی، جداول، آتش‌زدن لاستیک و سطل زباله، حمله به مغازه‌ها و منازل، یا استفاده از سلاح، همگی زمینه‌ساز وقوع حادثه و مرگ کودک محسوب می‌شوند.

۳-۳. مسؤولیت ترکیبی و رویکرد جامع

رویکرد حقوقی به چنین پرونده‌هایی محدود به یک عامل یا لحظه حادثه نیست؛ بلکه شامل زنجیره اقدامات خشونت‌آمیز، سازمان‌دهندگان و افراد مسلح در محیط شهری می‌شود. از این منظر:

- شلیک‌کننده مستقیم مسؤول مرگ است؛
- افرادی که به صورت مسلحانه - و نه صرفاً اعتراضات مسالمت‌آمیز- محیط را به میدان خشونت تبدیل کرده‌اند، مسؤول تسهیل وقوع این مرگ هستند.

بنابراین، مسؤولیت حقوقی در چنین پرونده‌ای چندلایه و همزمان است و شامل مسؤولیت کیفری فردی و مسؤولیت مشارکتی در ایجاد ناامنی می‌شود.

از این رو، پرونده قتل کودک سه‌ساله کرمانشاهی نشان می‌دهد که:

۱. مرگ کودک، ناشی از فروپاشی امنیت محیطی و خشونت خیابانی آشوبگران است؛
۲. مسؤولیت عاملان خشونت، محدود به لحظه شلیک نیست و شامل تمام کسانی است که با اقدامات خود، محیط را به فضای خطرناک برای غیرنظامیان تبدیل کرده‌اند؛
۳. تحلیل حقوقی و روشنگرایانه، نه تنها عامل مستقیم، بلکه تمام عوامل و زمینه‌های ایجاد ناامنی را در چرخه مسؤولیت قرار می‌دهد.

۴. چارچوب قانونی و بین‌المللی حمایت از کودکان و نقض حقوق آنان در اغتشاشات اخیر

حمایت از حقوق کودکان در سطح بین‌المللی و داخلی، بر پایه اصولی تدوین شده است که حق حیات، امنیت و رشد سالم کودکان را به رسمیت می‌شناسد. کشورها با هدف حفاظت از کودکان، قوانین و مقررات متعددی وضع کرده‌اند و در این میان، کنوانسیون حقوق کودک (CRC) یکی از مهم‌ترین اسناد بین‌المللی است که کشورهای عضو را ملزم به رعایت حقوق کودک می‌کند.

حق زندگی، به عنوان یکی از اصول بنیادین حقوق کودک، در این کنوانسیون تضمین شده و کشورهای عضو موظف‌اند، حق بر بقا، حیات و رشد کودک را حفظ کنند.

در حقوق داخلی ایران نیز، حمایت از کودکان به شکل قانونی مورد تأکید قرار گرفته است. طبق قانون حمایت از کودکان و نوجوانان:

- هرگونه آزار و اذیت که به صدمه جسمی، روانی یا اخلاقی کودک منجر شود و سلامت او را تهدید کند، ممنوع است.
- ماده ۴ این قانون، هرگونه صدمه، شکنجه جسمی و روحی و نادیده گرفتن سلامت روان و جسم کودک را جرم می‌داند و مرتکب را به حبس و جزای نقدی محکوم می‌کند.
- طبق ماده ۵، کودک آزاری از جرائم عمومی محسوب می‌شود و نیاز به شاکی خصوصی ندارد.

نقد حقوقی و رسانه‌ای استفاده ابزاری از نام کودکان

در جریان اغتشاشات اخیر، شاهد بودیم که نام و تصویر کودکان قربانی خشونت به سرعت در رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی بازتاب یافت و برخی گزارش‌ها، بدون تکمیل فرآیند حقیقت‌یابی و بررسی دقیق، با روایت‌های جهت‌دار و اغلب ناتمام همراه شد. این موضوع، دو آسیب عمده حقوقی و انسانی ایجاد می‌کند:

۱-۴. آسیب به حقوق کودک و خانواده

استفاده ابزاری از نام کودکان، فارغ از اینکه هدف آن افشای حقیقت یا هشدار باشد، می‌تواند:

- حقوق خصوصی و کرامت کودک و خانواده را نقض کند؛
- خانواده را در معرض فشار اجتماعی، هراس و حتی تهدید احتمالی قرار دهد؛
- روند قانونی و قضایی حقیقت‌یابی را مختل و مانع از احقاق حقوق کودک شود.

حقوق کودک و اصول بین‌المللی تأکید می‌کنند که حفاظت از هویت و کرامت کودک قربانی، همواره باید در اولویت باشد. بر اساس بند ۴ ماده ۱۹ کنوانسیون حقوق کودک، کشورها موظفاند اقدامات قانونی، اجرایی و آموزشی را برای جلوگیری از هرگونه آسیب روانی و اجتماعی به کودک به عمل آورند.

۲-۴. سوءاستفاده تبلیغاتی و تحریف حقیقت

در بسیاری از موارد، انتشار تصاویر و نام کودکان قربانی بدون تأیید رسمی و بررسی دقیق عامل یا عوامل حادثه، زمینه را برای سوءاستفاده تبلیغاتی و سیاسی فراهم می‌کند. این سوءاستفاده‌ها می‌تواند به صورت:

- تغییر روایت حادثه و نسبت دادن آن به گروه یا نهاد خاص،
- ایجاد جنگ روایت‌ها در فضای رسانه‌ای،
- سیاسی کردن مرگ کودک و بازنمایی آن به‌عنوان ابزار فشار

رخ دهد. از منظر حقوقی، این اقدامات با اصل حقیقت‌یابی و عدالت کیفری مغایرت دارد و مانع پیگرد مسؤولان واقعی حادثه می‌شود.

الزامات حقوقی برای رسانه‌ها و نهادها

با توجه به جایگاه قانونی کودکان به عنوان گروه دارای حمایت مضاعف، رسانه‌ها و نهادهای اطلاع‌رسان موظف‌اند:

۱. اطلاعات را تنها بر اساس گزارش رسمی و بررسی‌های قضایی منتشر کنند؛
۲. از بازنمایی هویت کودک یا جزئیات خانوادگی که ممکن است آسیب‌زا باشد، خودداری کنند؛
۳. تلاش کنند فضای رسانه‌ای به‌جای تعمیق تنش، به روشن‌گری و حقیقت‌یابی کمک کند.

این اصول به ویژه در شرایط اغتشاشات و بحران‌های امنیتی اهمیت بیشتری پیدا می‌کنند، زیرا هر گونه روایت شتابزده و جهت‌دار می‌تواند امنیت محیطی و روانی کودکان و خانواده‌های آنان را بیشتر تهدید کند.

جمع بندی

در جریان وقایع دی‌ماه ۱۴۰۴، تجمع‌های مدنی و مطالبه‌محور که هدف آن بیان خواسته‌های اقتصادی و اجتماعی شهروندان بود، در برخی مناطق با ورود گروه‌هایی مسلح و خشونت‌طلب به اغتشاش تبدیل شد. این تغییر ماهیت، به ویژه در محیط‌های شهری و مسکونی، باعث شد که محیطی ناامن برای غیرنظامیان، به ویژه کودکان، ایجاد شود. نمونه‌ای تلخ از این پیامدها، مرگ کودک سه‌ساله کرمانشاهی است؛ کودکی که هیچ نقش یا مشارکتی در این تجمعات نداشت و صرفاً به دلیل حضور در محیطی که به واسطه اقدامات خشونت‌آمیز و تخریبی اغتشاشگران ناامن شده بود، جان خود را از دست داد.

از منظر حقوق کودک و حقوق بین‌الملل، مسئولیت این فاجعه نه محدود به لحظه شلیک گلوله، بلکه متوجه تمام عوامل و فرآیندهای ایجاد ناامنی است. اقدامات شامل تخریب اموال عمومی و خصوصی، حمله به اماکن مسکونی، ایجاد موانع خطرناک در خیابان‌ها و استفاده از کودکان به عنوان ابزار خشونت، مستقیماً با

حقوق بنیادین کودکان، از جمله حق حیات، امنیت و سلامت جسمی و روانی، مغایرت دارد و ناقض قواعد عام مسؤولیت مدنی و کیفری است.

سازوکارهای بین‌المللی و اسناد معتبر حقوق کودک، از جمله کنوانسیون حقوق کودک، صراحتاً کشورهای عضو را موظف به حمایت مضاعف از کودکان و پیشگیری از آسیب آنان در شرایط خشونت‌آمیز می‌دانند. این اصول شامل ممنوعیت استفاده از کودکان در فعالیت‌های خشونت‌آمیز و تضمین امنیت و سلامت آنان در محیط‌های عمومی است. در این چارچوب، مرگ کودک سه‌ساله کرمانشاهی به روشنی نشان می‌دهد که خشونت افراطی و سازمان‌یافته اغتشاشگران، مستقیماً موجب نقض حقوق کودک شده و مسؤولیت حقوقی و کیفری آن بر عهده عاملان خشونت است.

این واقعه همچنین اهمیت تحقیقات مستند، حقیقت‌یابی و پاسخ‌گویی دقیق نسبت به عاملان خشونت را برجسته می‌سازد و نشان می‌دهد که حفاظت از کودکان در محیط‌های شهری و بحران‌زده، تنها با رعایت اصول مسالمت‌آمیز، جلوگیری از ناامنی و پاسخ‌گویی به رفتارهای خشونت‌آمیز قابل تضمین است. این تحلیل حقوقی، پایه‌ای روشن برای پاسخ‌دهی به ادعاها و اتهامات بین‌المللی فراهم می‌آورد و تأکید می‌کند که کودک قربانی اقدامات خشونت‌طلبانه و اغتشاشگران شده است، نه نیروهای قانونی یا مدافعان امنیت.

